

شوهر بدبین قاتل شد!



برایش کیفرخواست صادر شد و پرونده برای رسیدگی به شعبه دهم دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد. وی بزودی محاکمه قضاوت کرده‌اند.

بارها همسر یکی از کارمندان به نام فریبا قرار ملاقات داشته است. با افزایش این ماجرا فریبا ۲۶ ساله بازداشت شد و تحت بازجویی قرار گرفت و راز قتل مدیر شرکت را برملا کرد. وی در توضیح ماجرا گفت: من چند ماه قبل به عنوان کارمند در شرکت خصوصی مشغول به کار شدم و مدیر شرکت هم از کارم راضی بود. اما نشوهرم که مرد بدبینی است گمان می کرد با مدیر شرکت رابطه پنهانی دارم. بارها به او گفتم اشتباه می کند اما قبول نمی کرد تا اینکه آخرین بار وقتی گوشی موبایلم را بررسی کرد و عکس های صاحب شرکت را که در حال برگزاری جلسه در شرکت بود دید عصبانی شد. من به او گفتم از برگزاری جلسات در شرکت عکس گرفته ام و به همین خاطر عکس های مدیر شرکت در گوشی ام است اما او حرفم را قبول نمی کرد. شوهرم آخرین بار با مدیر شرکت قرار ملاقات گذاشت و برای صحبت کردن با او از خانه بیرون رفت. اما وقتی عصر به خانه برگشت

گروه حوادث - مرد بدبین که مدیر شرکت محل کار همسرش را به قتل رسانده در دادگاه کیفری یک استان تهران محاکمه می شود. بهمن سال گذشته مرد ۳۸ ساله مدعی بود پس از ۳۸ ساله اش ناپدید شده به مرکز پلیس رفت و گفت: پسرم مدیر یک شرکت خصوصی است و چندین نفر هم در مجموعه اش کار می کنند. اما از روز حادثه دیگر برنگشته و تلفن همراهش هم خاموش است. کارمندانش هم عنوان کردند از صبح به دفتر نرفته است. با اعلام این شکایت تحقیقات برای یافتن سرخنی از علت ناپدید شدن مدیر شرکت خصوصی آغاز شد تا اینکه جسد خونین او در خودرواش در حاشیه تهران پیدا شد. با مشخص شدن این موضوع جسد با دستور مقام قضایی به پزشکی قانونی منتقل و مأموران در نخستین گام از تحقیقات به بررسی فهرست مکالمات تلفنی مقتول پرداختند و معلوم شد که وی آخرین

دردسر ازدواج پنهانی برای مرد مشهدی؛

احسان با نقشه، مادرش را به عقد من در آورد!



آن هارفت و آمد نکندم خلاصه زینت خانم را به عقد موقت خودم در آوردم و احسان هم بسیار خوشحال شد و مرا «بابا» صدا می زد! در حالی که من همچنان نگران رسوایی بزرگ بودم که این راز افشا نشود. روزی «احسان» به سراغم آمد و از من خواست مادرش را به طور دائم عقد محضری کنم! او مدعی بود نمی تواند با این وضعیت خانه ای اجاره کند و کسی به آن ها منزل اجاره نمی دهد! به او گفتم خودم برایتان منزلی را اجاره می کنم اما او قانع نمی شد و اصرار می کرد که باید مادرش را به طور دائم عقد کنم! به او گفتم قرار ما این نبود! او با قلدری تهدیدم کرد که به ناچار با مادرش تماس گرفت و موضوع را با او در میان گذاشتم ولی زینت خانم هم راضی به این کار نبود و تاکید کرد که به هیچ وجه چنین کاری نکنم حتی گفت دیشب احسان او را هم کتک زده است که باید به صورت محضری به عقد من در آید!

هنوز گفت و گوی تلفنی من با زینت خانم ادامه داشت که ناگهان احسان با چماق به شیشه مغازه کوبید و بعد هم گوشی مرا از دستم گرفت و آن را شکست! من هم به ناچار با پاپیس ۱۱۰ تماس گرفتم و به کلانتری آمدم تا چاره ای در این باره بیندیشم چرا که «احسان» به طرف منزل رفت تا همسرم را در جریان ازدواج موقت من با مادرش بگذارد که در این صورت زندگی ام متلاشی می شود و رسوایی بزرگی به بار می آید. با توجه به حساسیت این ماجرا و با صدور دستوری ویژه از سوی سرگرد جعفر عامری (رئیس کلانتری آنکوه مشهد) تلاش کارشناسان و مشاوران دایره مددکاری اجتماعی برای حل این معمای پیچیده آغاز شد.

گروه حوادث - اگر چه در زندگی مشکلاتی با همسر داشتم اما در این سن و سال از من گذشته بود که بخوام با زن دیگری ازدواج کنم! با وجود این وقتی با اصرارهای شاگرد مغازه ام رویه رو شدم مبنی بر این که برای رهایی از حرف و حدیث دیگران، مادرش را به عقد موقت خودم در بیاورم بالاخره رضایت دادم که پنهانی با او ازدواج کنم، ولی... مرد ۵۵ ساله که از افشای ماجرای ازدواج مجدداً به شدت خجالت زده و شوهر مگین بود، در باره مشخصه ازدواج پنهانی خود به مشاور و مددکار اجتماعی کلانتری آنکوه مشهد گفت: با وجود مشکلاتی که در زندگی با همسر داشتم اما هیچ گاه به فکر تجدید فرآیند نیفتم چرا که دیگر ۳ فرزند بزرگ داشتم و از زندگی ام راضی بودم تا این که روزی با پیشنهاد حیرت آور شاگرد مغازه ام رویه رو شدم. «احسان» از حدود ۲ سال قبل در مغازه ام کار می کرد اگر چه پسری پر خاشاگر بود، اما برخی خصوصیات اخلاقی خوبی هم داشت به همین دلیل همواره سعی می کردم به او و خانواده اش کمک کنم چرا که پدرش را از دست داده بود و خودش سرپرستی مادر و خواهر و برادرانش را به عهده داشت.

رفت من و شاگردم به جایی رسید که او و خانواده اش را به مهمانی های خانوادگی خود دعوت می کردم و رفت و آمد های ماهر روز بیشتر می شد. من هم به بهانه ها و مناسبت های مختلف تلاش می کردم به نوعی دست خانواده او را بگیرم تا این که روزی «احسان» با سروصورتی خون آلود وارد مغازه شد و من هراسان به طرفش رفتم، فکر کردم در مسیر با موتور سیکل تصادف کرده است اما او به چهره ام نگاه می انداخت و گفت اگر شما با مادر من از ازدواج می کردید دیگر کسی جرئت نداشت به مادرم پیشنهادهای زشت و زنده بدهد!

خندیدم و گفتم باز غیرتی شدی؟ من سرپرست خانواده خودم باشم خیلی شاهکار کرده ام! اما «احسان» با اصرار و خیلی جدی تاکید می کرد که پس چرا این همه دم از خدا و پیغمبر می زنی، وقتی به فکر ناموس دیگران نیستی؟! بعد هم شروع به توهین کرد که من با این رفتار عصبانی شدم و او را اخراج کردم ولی دو روز بعد مادرش تماس گرفت و با التماس از من خواست می ادبی پسرش را ببخشم! او را اخراج نکنم! «زینت خانم» آن قدر عذرخواهی کرد که بالاخره پذیرفتم و احسان دوباره به سرکار بازگشت اما مدام زیر گوشم زمزمه می کرد که با مادرش محرم شوم تا کسی به آن ها تعرض نکند!

آن قدر ایسن موضوع را کش داد که بالاخره رضایت دادم به طور موقت و پنهانی با مادرش ازدواج کنم به شرط این که همسرم از موضوع مطلع نشود و من هم به منزل

شوهر خاله شیطان صفت به اعدام محکوم شد



این فرضیه تحقیقات تکمیلی صورت گرفت و پرونده برای رسیدگی به شعبه ۱۱ دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد و منتهم به دلیل موضوع پرونده دادگاه به صورت غیر علنی محاکمه شد. در ابتدای این جلسه پسر نوجوان به تشریح ماجرا پرداخت و گفت: خانواده ما و خاله ام خیلی صمیمی بودیم و ارتباط زیادی باهم داشتیم، به طوری که اغلب مواقع با ما خانه آنها بودیم و ما یا آنها به خانه ما می آمدند. روزی که شوهر خاله ام را از داد، خانوادگی به باغی در شهر یاز رفتیم، او به بهانه ای من را صدا زد و به گوشه باغ برد. اول فکر کردم می خواهد با من صحبت کند اما به محض اینکه خیالش راحت شد که از خانواده های مان دور شدیم، من را آزار داد و بعد هم تهدیدم کرد که نباید در این باره با کسی حرفی بزنم. من هم از ترس تا مدت ها سکوت کردم و هر وقت یاد آن اتفاق می افتادم، حالم بد می شد. حتی شبها هم کابوس می دیدم، تا اینکه پدر و مادرم پیگیر ماجرا شدند و من موضوع را برایشان تعریف کردم. حالا هم از شمامی خواهم او را به اشد مجازات محکوم کنید.

گروه حوادث - مرد شرور به اتهام آزار پسر نوجوان، با حکم قضات دادگاه کیفری یک استان تهران به اعدام محکوم شد. رسیدگی به این پرونده از اسفند سال ۱۴۰۱ با شکایت مردی که مدعی بود پسر نوجوانش از سوی باجناقش مورد آزار قرار گرفته، آغاز شد. وی در تشریح ماجرا به مأموران گفت: چند ماه قبل احساس کردم که پسر ۱۳ ساله ام افسرده شده و گوشه گیری می کند. ابتدا فکر کردم شاید به خاطر شرایط سنی اش دچار این حالت شده اما پس از پیگیری های من و همسرم متوجه راز هولناکی شدیم. پسرم به ما گفت که شوهر خاله اش او را آزار داده است. حالا هم ما از او شکایت داریم. بابت این شکایت پسر نوجوان به پزشکی قانونی معرفی شد و کارشناسان پس از معاینه در گزارشی آزار و اذیت وی را تأیید کردند. با تأیید این موضوع مرد ۴۱ ساله به اتهام آزار و اذیت پسر نوجوان بازداشت شد اما در همه مراحل بازجویی اتهامش را نپذیرفت و منکر شد. با این حال مدارک و مستندات و همیتور گزارش پزشکی قانونی نشان می داد که وی دست به این عمل شیطانی زده است. با

گروه حوادث - مرد شرور به اتهام آزار پسر نوجوان، با حکم قضات دادگاه کیفری یک استان تهران به اعدام محکوم شد. رسیدگی به این پرونده از اسفند سال ۱۴۰۱ با شکایت مردی که مدعی بود پسر نوجوانش از سوی باجناقش مورد آزار قرار گرفته، آغاز شد. وی در تشریح ماجرا به مأموران گفت: چند ماه قبل احساس کردم که پسر ۱۳ ساله ام افسرده شده و گوشه گیری می کند. ابتدا فکر کردم شاید به خاطر شرایط سنی اش دچار این حالت شده اما پس از پیگیری های من و همسرم متوجه راز هولناکی شدیم. پسرم به ما گفت که شوهر خاله اش او را آزار داده است. حالا هم ما از او شکایت داریم. بابت این شکایت پسر نوجوان به پزشکی قانونی معرفی شد و کارشناسان پس از معاینه در گزارشی آزار و اذیت وی را تأیید کردند. با تأیید این موضوع مرد ۴۱ ساله به اتهام آزار و اذیت پسر نوجوان بازداشت شد اما در همه مراحل بازجویی اتهامش را نپذیرفت و منکر شد. با این حال مدارک و مستندات و همیتور گزارش پزشکی قانونی نشان می داد که وی دست به این عمل شیطانی زده است. با

گروه حوادث - مرد شرور به اتهام آزار پسر نوجوان، با حکم قضات دادگاه کیفری یک استان تهران به اعدام محکوم شد. رسیدگی به این پرونده از اسفند سال ۱۴۰۱ با شکایت مردی که مدعی بود پسر نوجوانش از سوی باجناقش مورد آزار قرار گرفته، آغاز شد. وی در تشریح ماجرا به مأموران گفت: چند ماه قبل احساس کردم که پسر ۱۳ ساله ام افسرده شده و گوشه گیری می کند. ابتدا فکر کردم شاید به خاطر شرایط سنی اش دچار این حالت شده اما پس از پیگیری های من و همسرم متوجه راز هولناکی شدیم. پسرم به ما گفت که شوهر خاله اش او را آزار داده است. حالا هم ما از او شکایت داریم. بابت این شکایت پسر نوجوان به پزشکی قانونی معرفی شد و کارشناسان پس از معاینه در گزارشی آزار و اذیت وی را تأیید کردند. با تأیید این موضوع مرد ۴۱ ساله به اتهام آزار و اذیت پسر نوجوان بازداشت شد اما در همه مراحل بازجویی اتهامش را نپذیرفت و منکر شد. با این حال مدارک و مستندات و همیتور گزارش پزشکی قانونی نشان می داد که وی دست به این عمل شیطانی زده است. با

قتل خونین پسر جوان بخاطر سکه بی ارزش

مرکتب شده است. مابرای مصرف مواد بازی قمار در این خانه جمع می شدیم. مقتول نمی دانم از کجا و چطور سکه های را پیدا کرده بود که هیچ ارزشی نداشت، او سکه را به برادرم داد تا برایش بفروشد. برادرم به چند نفری سکه را نشان داد و متوجه شد که سکه هیچ ارزشی ندارد. این موضوع را به مقتول گفتم، اما او باور نمی کرد و می گفت برادرم دروغ می گوید و می خواهد سکه را بالا بکشد. سر همین مسئله هم دعوی ایشان شد و برادرم به او چاقو زد. ساعاتی بعد من به محل جنایت برگشتم تا سر و گوشی آب بدهم که دستگیر شدم. تحقیقات برای دستگیری منتهم فراری ادامه دارد.

گروه حوادث - مرد معتاد که بر اثر توهم ناشی از مصرف شیشه تصور می کرد سکه های با ارزش پیدا کرده، پس از درگیری با مردی جوان کشته شد. پنجشنبه گذشته مرد جوانی با پلیس تماس گرفت و از کشف جسد در یک خانه متروکه خبر داد و گفت: در محله مان، خانه متروکه ای است که پاتوق معتادان است. در حال عبور از آنجا بودم که ناگهان چشمم به مردی افتاد که در گوشه خانه افتاده بود. به سمتش رفتم و چند باری صدایش کردم، اما جواب نداد، نزدیک تر که شدم، تازه فهمیدم چاقو خورده و نفس نمی کشد. بدنبال این تماس تیم جنایی راهی محل شده و در حال بررسی بودند که به مرد جوانی در اطراف خانه متروکه مشکوک شدند. وی پس از دستگیری با افضلاص از جنایت ابرملا کرد و گفت: قتل را برادرم ساسان

گروه حوادث - مرد معتاد که بر اثر توهم ناشی از مصرف شیشه تصور می کرد سکه های با ارزش پیدا کرده، پس از درگیری با مردی جوان کشته شد. پنجشنبه گذشته مرد جوانی با پلیس تماس گرفت و از کشف جسد در یک خانه متروکه خبر داد و گفت: در محله مان، خانه متروکه ای است که پاتوق معتادان است. در حال عبور از آنجا بودم که ناگهان چشمم به مردی افتاد که در گوشه خانه افتاده بود. به سمتش رفتم و چند باری صدایش کردم، اما جواب نداد، نزدیک تر که شدم، تازه فهمیدم چاقو خورده و نفس نمی کشد. بدنبال این تماس تیم جنایی راهی محل شده و در حال بررسی بودند که به مرد جوانی در اطراف خانه متروکه مشکوک شدند. وی پس از دستگیری با افضلاص از جنایت ابرملا کرد و گفت: قتل را برادرم ساسان

نیازمندیهای روزانه جزیره کیش

تلفن ۴۴۴۲۴۹۹۹ - ۴۴۴۲۰۲۸۴ (۰۷۶) سایت: www.eghtesad-kish.ir

تلفن ۴۴۴۲۴۹۹۹ - ۴۴۴۲۰۲۸۴ (۰۷۶) سایت: www.eghtesad-kish.ir

خدمات برق

انجام کلیه امور برق ساختمان و پروژه های شما - کلی و جزئی
۰۹۱۲۰۴۵۹۱۹۸

تعمیرات کولر

تعمیرات کولر - اسپیلیت
۰۹۳۹۱۴۹۵۵۱۸

دعوت به همکاری

از کارمند اداری خانم آشنا به فعالیت در دفاتر شرکت های بیمه دعوت به همکاری می شود.
تماس ۴۴۴۲۰۲۸۴

خدمات اتوماتیک

درب های اتوماتیک دار کوب
۰۹۱۲۹۴۲۴۰۲۲

تعمیرات کولر

تعمیرات کولر - اسپیلیت
۰۹۳۹۱۴۹۵۵۱۸

استخدام منشی عصر ساکن کیش

یک شرکت برای تکمیل نیروهای مورد نیاز خود، منشی شیفت عصر استخدام می نماید. متقاضیان با شماره ۰۷۶۴۴۴۲۴۹۹۹ تماس حاصل فرمایند. ساعت کاری: ۳ تا ۹ شب

خدمات برق

انجام کلیه امور برق ساختمان و پروژه های شما - کلی و جزئی
۰۹۱۲۰۴۵۹۱۹۸

تعمیرات کولر

تعمیرات کولر - اسپیلیت
۰۹۳۹۱۴۹۵۵۱۸

دعوت به همکاری

از کارمند اداری خانم آشنا به فعالیت در دفاتر شرکت های بیمه دعوت به همکاری می شود.
تماس ۴۴۴۲۰۲۸۴

خدمات اتوماتیک

درب های اتوماتیک دار کوب
۰۹۱۲۹۴۲۴۰۲۲

تعمیرات کولر

تعمیرات کولر - اسپیلیت
۰۹۳۹۱۴۹۵۵۱۸

استخدام منشی عصر ساکن کیش

یک شرکت برای تکمیل نیروهای مورد نیاز خود، منشی شیفت عصر استخدام می نماید. متقاضیان با شماره ۰۷۶۴۴۴۲۴۹۹۹ تماس حاصل فرمایند. ساعت کاری: ۳ تا ۹ شب

خدمات برق

انجام کلیه امور برق ساختمان و پروژه های شما - کلی و جزئی
۰۹۱۲۰۴۵۹۱۹۸

تعمیرات کولر

تعمیرات کولر - اسپیلیت
۰۹۳۹۱۴۹۵۵۱۸

دعوت به همکاری

از کارمند اداری خانم آشنا به فعالیت در دفاتر شرکت های بیمه دعوت به همکاری می شود.
تماس ۴۴۴۲۰۲۸۴

خدمات اتوماتیک

درب های اتوماتیک دار کوب
۰۹۱۲۹۴۲۴۰۲۲

تعمیرات کولر

تعمیرات کولر - اسپیلیت
۰۹۳۹۱۴۹۵۵۱۸

استخدام منشی عصر ساکن کیش

یک شرکت برای تکمیل نیروهای مورد نیاز خود، منشی شیفت عصر استخدام می نماید. متقاضیان با شماره ۰۷۶۴۴۴۲۴۹۹۹ تماس حاصل فرمایند. ساعت کاری: ۳ تا ۹ شب

نیازمندیهای اقتصاد کیش

۴۴۴۲۳۹۱۰ - ۴۴۴۲۳۹۹۹

تلفن: ۷۷۹۸۲۵۲

صنایع چوب

حلاج کیش

کلید سفارشات چوبی، MDF، دکوراسیون غرفه و منزل